انترناسیونال 779

کاظم نیکخواه

**شما هم کمونیست هستید!**

اگر حاکمیت یک اقلیت مفتخور سرمایه دار بر جامعه را قبول ندارید و بر نمی تابید و تلاش و آرزویتان اینست که جامعه بر اساس سود و سرمایه نچرخد و همه چیزش در اختیار خود مردم قرار گیرد، شما چه بخواهید چه نخواهید چه بدانید چه ندانید کمونیست هستید. کمونیسم یک جنبش ضد سرمایه داری و ضد جامعه طبقاتی است. چیز دیگری نیست.

میدانم که علیه کمونیسم تبلیغات زیاد شده است. اما کمونیسم یعنی انسانی کردن جامعه. یعنی قرار گرفتن اختیار و کل ثروتهای جامعه در دست خود مردم. یعنی اینکه یک اقلیت بی خاصیت و مفتخور سرمایه دار بر سر جامعه حاکم نباشد. همه انسانهای شریف اگر کمونیسم را بشناسند متوجه میشوند که خودشان قلبا کمونیستند و حرف دلشان را کمونیستها میزنند.

واقعا چه چیز بدیهی تر و قابل قبول تر از اینست که جامعه انسانی باشد؟ یعنی بر اساس پاسخگویی به نیازها و خواستهای خود مردمی که جامعه را تشکیل میدهند سازمان یابد و مفتخوران و شارلاتانها به زور بر مردم حکومت نکنند؟ خیلی ها این را قبول دارند اما به آنها قبولانده شده است که عملی نیست.

به همین نمونه های برجسته ای که جلوی چشم ماست فکر کنید! برای نمونه ترامپ یک میلیاردر ضد زن و فاشیست و لمپن اکنون رئیس یکی از بزرگترین کشورهای دنیاست. گوشه ای از پرونده اش هم روشده است که با چندین زن تن فروش و ستاره پورنو و امثال آنها سالها رابطه جنسی داشته و بعد موقع انتخابات از پول انتخابات به این زنان صدها هزار دلار پول پرداخت کرده که چیزی در مورد رابطه خود با جناب ترامپ نگویند. پوتین هم با تقلب و فضا سازیهای اینترنتی به او کمک کرده که پیروز شود. این فقط گوشه ای از کارنامه این جناب است که رو شده است. از همین ذراتی که افشا شده میشود فهمید که این آدم چه موجود رذل و کثیفی است. یک نمونه دیگر از این دست برلسکونی نخست وزیر سابق ایتالیا و یکی از میلیاردرهای تعیین کننده این کشور بود. او هنوز هم در ایتالیا سیاست ها را این طرف و آن طرف میکند. کارنامه او هم بسیار کثیف و تهوع آور است و همه مردم ایتالیا از آن خبر دارند. پوتین هم قطعا کارنامه بهتری ندارد. سران کشورهای عربستان و ایران و اردن و کشورهای اسلام زده دیگر هم که ثروتها و جنایاتشان شهره خاص و عام است و نیاز به افشاگری ندارد. یک مشت کله پوک خبیث و ضد انسان و از خود راضی که در ثروت و پول غلت میزنند، دست به هر جنایت و کثافت کاری ای میزنند و بعد در برابر دوربین ها مردم فریبی میکنند. اینها نه درایت خاصی برای اداره جامعه دارند نه اخلاقیات جالبی دارند و نه کارنامه جالبی دارند. حتی خیلیهایشان سواد و مهارت ویژه ای هم برای اداره حکومت ندارند. باور کنید ساده ترین کارگر و معلم و پرستار و زن مرد عادی جامعه شایستگی بسیار بیشتری دارد که در راس جامعه قرار گیرد تا این مفتخوران فاسد.

روی کار آمدن امثال این جانوران اتفاقی نیست. این سیستم به این نوع موجودات نیاز دارد. زیرا اساس آن بر استثمار کارگران و انباشت کردن پول و سود قرار دارد. سرمایه داری یک سیستم ضد انسانی است و تاریخ همه کشورهای سرمایه داری پر از نسل کشیها و جنایات فجیع علیه بشر است. نمونه هایی مثل قتل عام ارمنیان در ترکیه، قتل عام کمونیستها در اندونزی، قتل عام زندانیان سیاسی در دهه ٦٠ در ایران، کشتار فجیع چپها در دوره پینوشه، و کشتارهایی که در اواخر قرن بیست در یوگسلاوی و رواندا و جاهای دیگر صورت گرفت فقط برخی از شناخته شده ترین نمونه ها هستند. اما یک هزارم جنایات این سیستم ضد بشری را هم بیان نمیکنند.

دنیا الان زیر سیطره سرمایه داران و مفتخوران و جنایتکاران است. میشود در مورد فجایعی که همین امروز در گوشه و کنار جهان در جریان است ساعتها سخن گفت. سوال بسادگی اینست که آیا شما مردم قبول دارید که زندگی بشر اینگونه رقم بخورد؟ آیا حاکمیت یک عده قلیل افراد مفتخور بر کل مردم را قبول دارید؟ آیا بشر در اول قرن بیست و یکم سزاوار اینگونه زندگی ای است که شاهد هستیم؟ فقر، جنایت، جنگ، تروریسم، دیکتاتوری و بی اختیاری و تبعیض و کل این وضعیتی که دنیا را فرا گرفته آیا اتفاقی است؟ تاریخ نشان میدهد که با هیچ اصلاحات و رفرمی نمیشود این وضعیت را از بین برد. این ها بخش جدایی ناپذیری از سیستم غیر انسانی سرمایه داری است.

تمام حرف ما کمونیستها اینست که ما این سیستم و این طبقه مفتخور حاکم و کل سنتها و قوانینش را قبول نداریم. و فکر میکنیم بشر شایسته زندگی بهتری است. و بعلاوه معتقدیم و نشان داده ایم که تغییر جهان امکان پذیر و عملی است. به همین دلیل روشن است که تلویزیونها و رسانه های حاکم مدام باید علیه کمونیستها تبلیغ و سمپاشی کنند تا مردم متوجه نشوند که کمونیسم یعنی خود انسانیت. یعنی دفاع از زندگی و رفاه و آزادی همه انسانها. یعنی عملی شدن تمام آرزوهای انسانی ای که تمام زنان و مردان و کودکان مدام در دل می پرورانند.

حتی اگر طی سالها تبلیغات علیه کمونیسم علاقه ندارید که خودرا کمونیست بخوانید مهم نیست. ولی واقعا تلاش کنید در راه همان چیزهایی که در دل آرزو میکنید یعنی برای یک دنیای بهتر و جامعه انسانی تر عملا گام بردارید. نگذارید به شما بقبولانند که دنیا همین است که هست. نگذارید به شما بقبولانند که فقر و شکاف عظیم طبقاتی و کل بی عدالتی ها طبیعی است و کاری نمیشود کرد. نگذارید به شما بقبولانند که تلاش برای برابری و ریشه کن کردن تبعیضات آشکار طبقاتی یک اتوپی و خیالپردازی است. قبول نکنید که سرمایه داری تا ابد باید بر دنیا حاکم باشد. تاریخ به ما میگوید که در دوره برده داری و فئودالیسم هم عینا همین نوع تبلیغات و موعظه های "حکیمانه" در مورد طبیعی بودن و ابدی بودن این سیستم های ضد انسانی صورت میگرفت و تا زمانی که اکثریت مردم آنها را باور میکردند دنیا بر همان پاشنه میچرخید. برای قبولاندن این تلقیات به مردم یک عالمه پول صرف میشود. اگر این را باور کنید راه مقابله با آن بسیار ساده میشود. وقتی که بخش قابل توجهی از مردم به این باور برسند که سیستم اجتماعی موجود نه طبیعی است، نه عادلانه است و نه ابدی و ازلی، گام اصلی برای پیشروی و دست یابی به یک جامعه انسانی برداشته شده است.

معلوم است که برای اینکه به اینجا برسیم باید کارهایی کرد. اتحاد و مبارزه و انقلاب لازم است و کمونیسم به همین دلیل جنبشی برای انقلاب کردن و مبارزه کردن و متحد شدن است. بر خلاف تمام جوامع سرمایه داری که محور آن ها سود و سرمایه است، جامعه کمونیستی جامعه ای است که توسط همه مردم و برای همه مردم تشکیل میشود. در چنین جامعه ای بیکاری، بی تامینی، فقر، سرکوب، و پلیس و زندان معنا ندارد. انسانها دور هم جمع شده اند تا اجتماعی و برای پاسخگویی به نیازهای خود زندگی کنند و جامعه کمونیستی پاسخی به این نیاز پایه ای و اساسی انسانی است. تمام جوامع تاکنونی بجز جامعه اشتراکی اولیه، جوامعی طبقاتی هستند و یک اقلیت بر اکثریت مردم حاکم است. پلیس و زندان و دولت و ارتش برای تحت انقیاد گرفتن اکثریت مردم توسط یک اقلیت شکل گرفته است. یک جامعه انسانی به هیچکدام ازاینها نیاز ندارد. مردم خود جامعه را اداره میکنند. جامعه کمونیستی چنین جامعه ای است. سوال اینست که چنین جامعه ای چگونه ایجاد میشود؟ چه کسی آنرا ایجاد میکند؟ این جامعه اگر زندان و پلیس و دولت ندارد چگونه حراست و اداره میشود؟ اداره جامعه چه شکلی دارد؟

در پاسخ به این سوالات به جایگاه طبقه کارگر، سیستم شورایی، مبارزه طبقاتی، انقلاب اجتماعی، و تحزب و امثال اینها میرسیم که امیدوارم جداگانه به آنها بپردازیم.